

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

۱۱/۰۲/۰۱

## سازمانها و مطبوعات مقاومت افغانستان

از کودتای ۷ ثور تا خروج عساکر شوروی از افغانستان

(۱۹۷۸ - ۱۹۸۹)

سید ولید صاعد

انجمن فرهنگی افغانستان

انتشارات بامیان

۱- حرکت اسلامی افغانستان - سازمان نصر افغانستان - روحانیت جوان افغانستان - نیروی اسلامی افغانستان - اتحاد علمای افغانستان - جنبش مستضعفین افغانستان - شورای اتفاق اسلامی افغانستان و حزب رعد افغانستان . این جبهه هنوز نشکفته بود که به اثر خود خواهی و خود محوری اعضای آن در غنچه خزان شد . اتحاد دوم به نام « روحانیت مبارز افغانستان » از طرف « واحد نهضتها » پایه گذاری شد ولی از آنجائیکه اهداف اساسنامه آن از پیش ریخته و بیخته شده بود ، اتحاد به شکست روبرو گردید . اتحاد سوم به نام « ائتلاف چهارگانه » در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴) بین سازمان نصر ، سپاه پاسداران جهاد ، جبهه متحد و نهضت اسلامی سرو سامان گرفت ولی خودخواهی ها و اهداف گونه گونه آنها را به بیغوله نفاق سوق داد . به همین ترتیب در سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ باز هم داعیه وحدت خواهی به جایی نرسید تا اینکه در سال ۱۳۶۵ پنجمین فعالیت وحدت طلبانه به نام « شورای ائتلاف اسلامی افغانستان » تا مدتی ادامه یافت و نتایج بالنسبه مفیدی از آن به دست آمد . در این شورا ۹ سازمان از قبیل : جبهه متحد انقلاب اسلامی ، پاسداران اسلامی افغانستان ، دعوت اسلامی افغانستان ، حزب الله افغانستان ، حرکت اسلامی افغانستان ، سازمان نصر افغانستان ، سازمان نیروی اسلامی افغانستان ، نهضت اسلامی افغانستان ، و شورای اتفاق اسلامی افغانستان شرکت داشتند . از روی « ارزیابی عملکرد سه ساله شورای ائتلاف اسلامی افغانستان » می توان گفت که در بعد سیاسی موفقیت های خوبی داشته است مخصوصا در قبال مسأله مذاکرات سیاسی و جلسه با نماینده روسیه در تهران و مسأله شورای مشورتی و طرح دولت موقت پشاور و ادامه مذاکرات با اتحاد هفتگانه ( مقیم پشاور ) و غیره که توانست شیعیان افغانستان را به عنوان يك مجموعه هماهنگ و قدرتمند و موثر در صحنه مسایل بین المللی معرفی نماید .... اما نقص

این شورا این بود که تنها در محدوده خارج از کشور مطرح بود و در داخل کشور و در میان سنگر های جهاد کمتر نامی از آن برده می شد .

دوکتور حق شناس در کتاب تحت عنوان «تحولات سیاسی جهاد افغانستان» می نویسد : « این تنظیم ها که از همان آغاز جهاد تاکنون به ضد روس و روس گرایان می جنگند ، بعضا توسط يك نفر و بعضی به وسیله يك شورا اداره و رهبری می شوند و در مجموع همه از پیروان آیت الله خمینی و طرفدار خط فکری انقلاب اسلامی ایران اند ...»  
(۳۴)

اما در این میان « حرکت اسلامی » شیخ آصف محسنی که بیشترین اعضا و پیروان آنرا شیعه های کابل و قندهار و هرات تشکیل داده بودند ، علی رغم آنکه در اوایل يك قسمت امداد و سلاح را از ایران به دست می آورد در خط فکری اسلام معتدل قرار داشته و در همکاری با شورای اتفاق اسلامی سید علی بهشتی چندین مرتبه با طرفداران خط امام خمینی ، به خصوص با سازمان سپاه به مقابله پرداخته است ...» (۳۴)  
از اینجاست که حرکت اسلامی و شورای اتفاق اسلامی اهل تشیع با سازمانهای معتدل اسلامی اهل تسنن همکاری حسنه داشتند .

### تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان

سر انجام همین تلاش های وحدت خواهی در سال ۱۳۶۸ پس از دایر نمودن کنگره ها و جلسه های متعدد منتج به تشکیل « حزب وحدت اسلامی » گردید . میثاق « حزب وحدت اسلامی » را سازمانهای نصر ، حرکت اسلامی ، پاسداران جهاد اسلامی ، جبهه متحد انقلاب اسلامی ، سازمان نهضت اسلامی ، سازمان نیروی اسلامی ، و دعوت اسلامی امضاء نمودند .

به همینگونه « پس از ورود هیأت در تهران ، جلساتی با حضور اعضای هیأت و اعضای شورای ائتلاف و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان بر گزار گردید که اکثریت مسئولین گروهها در خارج کشور هم موافقت کامل خویش را اعلام نمودند و در ملاقات با آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ، ایشان نیز ضمن تأکید بر ادامه جهاد در افغانستان تا پیروزی نهائی ، حمایت و تأیید شانرا از این وحدت اعلام فرمودند و متذکر شدند که : «وحدت چیز ضروری است نباید این وحدت را آنقدر شرط و شروط قایل شویم که تحقق پیدا نکند ، اگر کسی شرط و شروط مطرح نمود ، دیگر وحدت نیست...» (۳۵)

### ۶ - سازمانهای ملی و دموکراتیک در عرصه مقاومت:

در دوره جمهوریت محمد داوود خان به استثنای جناحهای خلق و پرچم بقیه سازمانهای سیاسی همه در سردی دیکتاتوری رژیم از فعالیت سیاسی باز مانده بودند. اختناق دوره جمهوریت تنها یکی از عوامل باز دارنده مبارزات سیاسی و فرهنگی به شمار میرفت ، در حالیکه توأم با اوضاع مکدر ، عوامل دیگری نیز وجود داشت از قبیل انشعابات حد اکثر سازمانهای سیاسی که آنها را به دسته های کوچک و بی اثر تقسیم کرده بود.

سانحه ۷ ثور که برای حد اکثر سیاست پیشگان افغانستان به زودی قابل پیش بینی نبود ، همچون ساعقه ای کشور خواب آرام افغانستان را از خواب دیرین بیدار نمود و مخالفت به درجه اول از جانب روشنفکران و تحصیل یافته ها که ماهیت حزب دموکراتیک خلق و وابستگی آنرا به روسیه میدانستند، آغاز گردید و به زودی روحانیون و نیرو های سنتی را در خود احتواء نمود. مبارزه « در هر دو بعد افقی و عمودی» گسترش یافت و با مرور زمان در سه هسته عمده متمرکز شد که بعداً هر يك بر مبنای خصوصیت ویژه خود انکشاف نمود. هسته های مذکور عبارت بودند از :

۱ - سازمانهای مقاومت بیرون مرزی به خصوص در ایران و پاکستان

۲- مبارزه چریکی در داخل

۳ - مجادله قلمی و فکری روشن فکران در داخل و خارج کشور...» (۳۶)

« هنوز از ماه عسل کودتا مدتی نگذشته بود که کودتای ثور را يك مطاع روسی تشخیص داده و اولین پیام مقاومت شانرا از طریق پخش شبنامه ها اعلان نمودند...» (۳۷)

### **سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما):**

در سال ۱۹۷۹ درست وقتی که هنوز ارتش شوروی به افغانستان هجوم نکرده بود ، سازمان آزادیبخش مردم افغانستان «ساما» به رهبری عبد المجید کلکانی که روشنفکران او را به حیث يك شخصیت سیاسی ، ملی ، شاعر ، نویسنده و عیار می شناختند و در سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۸ گروه جمهوریخواهان و بینوایان را تأسیس نموده بود، تأسیس یافته « ۳۸» به فعالیت های چریکی و در اتحاد با نیرو های اسلامی - ملی و روحانیون میهن پرست و افسران ضد رژیم جنگ چریکی و مسلحانه را آغاز نمود .

چنانچه مرحوم فرهنگ در جلد دوم کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر میگوید : « سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما » و سازمان وطنپرستان حقیقی و سازمان اخگر و سازمان پیکار فعالیت های شانرا در داخل افغانستان آغاز نمودند ولی سازمان فاذا و گروه هجاما در خارج کشور به مبارزات قلمی و تبلیغی پرداختند .» (۳۹)

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در رأس قیام چنداول (۱۹۷۹) و سازمان رهائی حمله بر بالا حصار (۱۹۷۹) قرار داشت يك تعداد سازمانهای ملی و اسلامی در قیام خونین و قهرمانانه کابل (فبروری ۱۹۸۰) ، همچنان توزیع شبنامه ها و دعوت مردم جهت اعتصابات علیه رژیم دست نشانده کابل نقش تعیین کننده داشتند .

بعد از شهادت عبد المجید کلکانی ، مقدمات جبهه متحد ملی که قبل از تجاوز روسها چیده شده بود ، توسط دکتر عبدالقیوم رهبر ، برادر عبد المجید کلکانی و تلاش بیشتر سازمان ساما سرو صورت گرفت.

دوکتور عبد القیوم رهبر که در علوم شرعی تخصص داشت در بین نیرو های تحصیل کرده افغانستان به حیث يك شخصیت ملی ، سیاسی ، انقلابی و دانشمند شهرت داشت. دوکتور عبدالقیوم رهبر در جنوری ۱۹۹۰ توسط چند نفر تروریست به طور مرموزی در شهر پشاور به شهادت رسید.

ادامه دارد